



مادران امامان شیعه علیه السلام و نقش های سیاسی - اجتماعی آنان

پدیدآورده (ها) : طیبی، ناهید

تاریخ :: بانوان شیعه :: زمستان 1384 و بهار 1385 - شماره 6 و 7 (ISC)

از 7 تا 32

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/172143>

دانلود شده توسط : مرکز مشاوره

تاریخ دانلود : 21/01/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

مادران امامان شیعه علیهم‌السلام

و نقش‌های سیاسی - اجتماعی آنان

ناهد طیبی*

چکیده

مادران ائمه اطهار علیهم‌السلام افزون بر نقش مادری و تربیت فرزندان، که در بخش پنهان تاریخ مطرح می‌شود، نقش‌های سیاسی - اجتماعی مؤثری نیز در بخش آشکارای تاریخ ایفا نموده‌اند. هم‌فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی مادران عرب و هاشمی مانند فاطمه بنت اسد، فاطمه زهرا علیها‌السلام، فاطمه بنت الحسن و امّ فروه مادر امام صادق علیه‌السلام (که به علت مشخص بودن موقعیت خانوادگی آنان و ارتباط با قبایل و تبار خویش بیش از دیگر مادران ائمه علیهم‌السلام در تاریخ یاد شده) و هم نقش و حضور سیاسی مادران غیرعرب، که عمدتاً کنیز و اسیر بوده‌اند، در کنار نقش مادری ایشان قابل ذکر و بررسی است و مادران ائمه اثنی‌عشری در این زمینه، بهترین الگوی عملی برای شایستگی و بایستگی حضور سیاسی زنان شیعه هستند.

کلیدواژه‌ها: مادران، مادران ائمه اطهار علیهم‌السلام، نقش‌های سیاسی.

* خارج فقه و اصول؛ مدرّس و پژوهشگر حوزه علمیه.

مقدمه

نقش‌های سیاسی و اجتماعی زنان در طول تاریخ، اگرچه مستور و ناگفته مانده است، اما با دقت و ژرفانگری در آنچه امروزه در دسترس ما قرار گرفته، می‌توان به اهمیت ویژه آن پی برد. شاید بتوان این نقش‌ها را به دو بخش سیاسی - اجتماعی آشکارا و پنهان تقسیم نمود. در بخش اول، می‌توان به زنانی اشاره نمود که با حضور فیزیکی و قابل طرح و بررسی خود، حرکت‌های تأثیرگذاری داشته‌اند. در این زمینه، از یک سو، باید باور کرد کم نیستند زنانی که با حضور در جامعه سیاسی و گاه رهبری سیاسی در یک گروه و یا تدبیرات بهنگام خود مسیر جامعه را تغییر داده و یا در تغییر آن سهیم بوده‌اند، و از سوی دیگر، باید اعتراف کرد که در طول تاریخ، معمولاً چنین زنانی یا معرفی نشده‌اند و یا تنها به بخشی از فعالیت‌های آنان پرداخته شده است. به هر حال، با کنار هم قرار دادن برش‌ها و قطعات تاریخی و گزارش‌های موجود، می‌توان نمایی هرچند دور و کم‌رنگ به جامعه امروز نشان داد و این رسالتی بس بزرگ است که بار اصلی آن بر دوش زنان جامعه است تا این‌گونه هویت حقیقی خویش و نقش‌های سیاسی - اجتماعی زنان را به دور از مباحث جنسیتی، تبیین کنند. اما در بخش دوم - یعنی نقش‌های پنهان - می‌بینیم که زنان با تربیت فرزندان قهرمان و تأثیرگذار و یا هدایت درونی خانواده به سوی انتخاب‌های صحیح، سایه‌وار و به صورت پنهان نقش مهم خود را ایفا می‌کنند.

مادران ائمه اطهار علیهم‌السلام به دلیل آنکه میزبان و مربی مردان الهی و پیشوایان دینی و سیاسی بوده‌اند، در میان دیگر زنان از اهمیت بیشتری برخوردارند و بررسی و مطالعه شخصیت سیاسی - اجتماعی آنان می‌تواند راهگشای ما در تبیین مباحث زنان باشد. پیش از ورود به بحث، باید به چند نکته اساسی توجه کرد:

الف - در پژوهش‌های تاریخی مربوط به زنان، معمولاً با کمبود اطلاعات و منابع مواجهیم و این به دلیل شرایط ویژه قرون اولیه اسلام و دیدگاه تبعی و غیر اصیل است که نسبت به زن وجود داشت. از این رو، کمتر به منبع مستقلی که اختصاصاً به ویژگی‌های زنان تاریخ‌ساز پرداخته باشد، برمی‌خوریم و منابع برجای مانده نیز بیشتر به معرفی افراد پرداخته‌اند، بدون توجه به نقش‌های اجتماعی - سیاسی آنان. برای مثال، ابن طیفور در کتاب *بلاغات النساء* به بخشی از زنان و جنبه‌های محدودی از زندگی آنان می‌پردازد، و یا در کتب تراجم معمولاً پس از اسامی، کنیه‌ها و القاب مردان، در بخش آخر کتاب، به بابی برخورد می‌کنیم با عنوان «باب النساء» که در سطح محدود، هم از نظر کمی (تعداد ترجمه‌ها) و هم کیفی (محتوای هر مدخل و ترجمه) به معرفی این زنان پرداخته شده است.

گفتنی است در عملیات تحقیق مربوط به زنان، می‌توان از ترجمه و زندگی‌نامه بزرگ‌مردانی استفاده نمود که به نوعی با این زنان مربوط بوده‌اند. ترجمه پدران، همسران، فرزندان و برادران در برخی موارد، به تحقیق‌های اختصاصی ما در مورد بانوی مورد نظر یاری می‌رساند.

ب - نقش‌های ناپیدای زنان را نباید کم‌رنگ و یا نادیده گرفت؛ زیرا بنا بر معارف و فرهنگ دینی، نقش اولیه و اصلی بانوان در همین موارد تجلی می‌کند. به عبارت دیگر، مادر با تربیت فرزند شجاع و تأثیرگذار، به شکل پنهانی بر جامعه تأثیر می‌گذارد. سایه تربیت این مادر در جامعه محسوس است، ولی ما گاهی به راحتی از کنار آن می‌گذریم. به راستی، آیا در رشادت‌ها و شجاعت‌های عباس بن علی علیه‌السلام نمی‌توان سایه شجاعت ام‌البین را

۱. کتب الاصابة فی تمییز الصحابة ابن حجر، اسد الغابة ابن اثیر، معرفة الصحابة ابونعیم، و معجم الصحابة و اعلام النساء عمر رضا کحالة از این موارد به شمار می‌آید.

دید؟ و یا در پس پرده کلام قاسم بن الحسن علیه السلام، که در واقعه کربلا برای مرگ تعبیر «احلی من العسل» آورد، چهره تربیت مادر او را احساس نمود؟! به یقین، در پس حرکت خالصانه زهیر بن قین، که عثمانی بود، اما در صف علویان درخشید، نقش مهم اما ناپیدا و به ظاهر کم‌رنگ دَلَّهْم^۱ رخ می‌نماید. تاریخ سرشار از این نمونه‌های پنهان است که باید از میان نقل‌های متعدد برجین شده، به جامعه معرفی شوند.

ج - در رابطه با نقش‌های سیاسی - اجتماعی مادران ائمه اطهار علیهم السلام، باید به این نکته توجه داشت که جو حاکم در زمان ائمه معصوم علیهم السلام و اختناق و فشارهای سیاسی موجود، حتی عرصه را برای حضور سیاسی خود معصوم و امام علیه السلام چنان تنگ می‌کرد که مجبور بود به «تقیه» روی آورد و یا برای مصلحت‌اندیشی و حفظ اصل اسلام و نظام اسلامی، دم فرو بندد و از فعالیت‌های سیاسی برای مدتی دست بردارد و یا مخفیانه به فعالیت پردازد. در چنین شرایطی، مخفی بودن و استتار فعالیت‌های مادران و همسران آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با نگاهی کلی به زندگانی مادران ائمه اطهار علیهم السلام می‌توان به این نکته اذعان کرد که از میان این بزرگواران، فاطمه بنت اسد، فاطمه زهرا علیها السلام، ام فروه، حمیده، حُدَیث و نرجس نقش‌های محسوس‌تری داشتند و از بین آنها نیز نقش سیاسی فاطمه زهرا علیها السلام و حُدَیث بسیار پررنگ‌تر بود.

اینک به بررسی زندگی سیاسی - اجتماعی هریک از مادران ائمه اطهار علیهم السلام به طور مجزا می‌پردازیم:

۱. دَلَّهْم یا دَلَّهْم همسر زهیر بن قین بوده که در ماجرای دعوت امام حسین علیه السلام از زهیر قبل از عاشورا مشوق همسر خود در یاری و نصرت امام حسین علیه السلام شد و با سخنان تأثیرگذار موجب بیداری همسرش شد.

فاطمه بنت اسد

فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام در دوران عمر خود، حرکت‌های سیاسی - اجتماعی مهمی انجام داد. با یک نگاه کلی به تاریخ صدر اسلام، قبل و بعد از هجرت، می‌توان به نقش تأثیرگذار این بانوی برد. او در دوران کودکی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، عهده‌دار حفظ و پرورش آن حضرت بود، به گونه‌ای که آن حضرت در مواقع گوناگون، او را «مادر» می‌نامید و در روایت است که آن حضرت فرمود: کسی به اندازه این زن به من نیکی نکرد. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۵۳) در شرایط سختی که پس از مرگ عبدالمطلب، قیم پیامبر، به وجود آمد، اگر ابوطالب و همسرش فاطمه بنت اسد از وی حمایت و محافظت نمی‌کردند معلوم نبود بر سر او چه می‌آمد. اینکه خداوند متعال حافظ دین و رسولان الهی است، بدون تردید پذیرفتنی است، اما افرادی که به نوعی با این انبیا و اولیای الهی مربوط هستند، با بینش و بصیرت صحیح خود، می‌توانند خاطره‌ای جاودانه از خود در حافظه تاریخ برجای بگذارند. اگرچه این نکته، تربیتی و اخلاقی است، اما پیامد آن در بخش‌های سیاسی پس از نبوت دیده می‌شود.

در زندگی فاطمه بنت اسد از نظر سیاسی - اجتماعی، می‌توان به دو نکته مهم

اشاره نمود:

الف - گفته شده است: او اولین بانویی بود که پس از حضرت خدیجه علیها‌السلام در مکه با پیامبر اسلام بیعت کرد. (شرف‌الاسلام، ۱۴۲۰، ص ۱۷۲) بیعت با رهبر یک ملت و یا امت از امور مهم و مقدماتی برای حضور سیاسی - اجتماعی به شمار می‌رود و اساساً بیعت جنبه سیاسی دارد، نه اخلاقی؛ زیرا زمانی که فردی با مقتدا و امام خویش بیعت کرد و با او پیمان همراهی و تبعیت امضا نمود، به دنبال این بیعت، باید حرکت‌های دیگری نیز انجام دهد.

ابن ابی الحدید، فاطمه بنت اسد را یازدهمین فردی می‌داند که اسلام آورد (ابن

ابی الحدید، بی تا، ج ۱، ص ۵) و با پیامبر بیعت نمود، ولی این سخن با نقل‌های معتبر دست اول سازگاری ندارد. حضور علی بن ابی طالب علیه السلام و جعفر، پسران فاطمه بنت اسد، در بین نمازگزاران اولیه و اثبات پذیرش اسلام از سوی آنها در اولین مرحله ابلاغ پیامبر، نمایانگر همین است که مادری با آن عظمت روحی والا، پشتوانه آن دو بزرگوار بوده است؛ همان‌گونه که ابوطالب، از مهم‌ترین حامیان پیامبر در دوره نبوت بود.

ب- فاطمه بنت اسد اولین زن مهاجر به مدینه با پای پیاده بود. البته پیش از این بانو، زنان دیگری نیز به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت کردند، اما آنان به صورت سواره این کار را انجام دادند و در رأس آنها، رقیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. در اینجا، یک نکته مهم وجود دارد و آن اینکه مرحوم کلینی با تعبیر «اول من هاجرت الی رسول الله» از فاطمه بنت اسد یاد نموده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۵۳)، ولی برخی منابع، نام او را در بین کسانی آورده‌اند که پس از سه روز به همراه حضرت علی علیه السلام از مکه به مدینه هجرت نمود.

فندوزی به نقل از ذخائر العقبی با استخراج از ابن البختری روایتی از حضرت علی علیه السلام می‌آورد که مقام اجتماعی فاطمه بنت اسد را می‌رساند. آن حضرت فرمود: «کانت أُمّی فاطمة بنت اسد تکفی (تکفیه) عمل خارج البیت و فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله تکفی عمل البیت» (فندوزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۳۹ / طبری، ۱۳۵۶، ص ۵۱)؛ مادرم فاطمه بنت اسد امور خارج از منزل را عهده‌دار بود و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله امور داخل منزل را. این روایت به معنای ضعف یا قوت یکی بر دیگری نیست؛ زیرا فاطمه علیه السلام شأبتی ویژه داشت، به خاطر دختر رهبر اسلام بودن. شاید شعر حمیری معروف خوبی بر شخصیت والای فاطمه بنت اسد به عنوان مادر حضرت علی علیه السلام باشد که در آن، انتساب امیرالمؤمنین علیه السلام به فاطمه بنت اسد را مطرح می‌کند. البته انتساب افراد به مادران گاهی به خاطر عظمت مادران آنهاست؛

مانند ابن آمنه برای پیامبر و «ابن فاطمه علیها‌السلام» برای امام حسین علیه‌السلام و گاه برای تحقیر و تنزل شخصیت افراد است؛ مانند ابن مرجانه که عیدالله بن زیاد را به مادرش نسبت داده‌اند، ابن الزرقاء که مروان را به مادرش زرقاء منتسب کرده‌اند؛ زیرا زن معروفی در فحشا بود و ابن راعیه المعزی^۱ در جایی که مادر کسی از نظر عظمت، شخصیتی شناخته شده باشد، عرب از انتساب نام خود به مادر افتخار می‌کند. حمیری چنین می‌سراید:

ذاک ابن فاطمة الوسی و من یقل فی فضله و فعاله لایکذب

سید رضی در کتاب *خصائص الانبیاء* پس از آوردن این شعر می‌نویسد: «یعنی: فاطمه بنت اسد امه - رضی الله عنها»؛ منظور از فاطمه، فاطمه بنت اسد - رضی الله عنها - مادر حضرت علی علیه‌السلام است. (شریف رضی، ۱۴۰۶، ص ۵۲)

فاطمه زهرا علیها‌السلام

نقش سیاسی - اجتماعی حضرت زهرا علیها‌السلام در منابع گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل، از بسیاری مباحث تکراری پرهیز می‌شود. آن حضرت از ابتدای تولد، به علت شرایط ویژه و مشکلاتی که در ابتدای راه رسالت وجود داشت، در برهه‌های اجتماعی حضور یافت. روشن است که حضور وی در «شعب ابی طالب» را نمی‌توان به عنوان نقش سیاسی - اجتماعی آن حضرت مطرح نمود؛ زیرا آن حضرت در آن دوره، کودکی بود که باید در کنار والدین خویش به سر می‌برد و شرایط موجود را می‌پذیرفت و اختیاری در انتخاب شرایط نداشت، اما زندگی سیاسی - اجتماعی آن حضرت را می‌توان از

۱. راعیه المعزی به معنای زن بزرگوار است و لقب مادر شمر بن ذی‌الجوشن است. گفته شده او در بیابان از یک چوپان تقاضای آب نمود و او دادن آب را مشروط به رابطه نامشروع با وی کرد و شمر نتیجه همین رابطه است.

سال سیزدهم بعثت و از هنگام هجرت ایشان به مدینه، مورد بحث و بررسی قرار داد و به مقاطع ذیل تقسیم نمود:

الف - هجرت از مکه به مدینه که اولین حضور سیاسی - اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام پس از بلوغ به شمار می‌رود. خطراتی بر سر راه ایشان و دیگر مهاجران همراه وجود داشت، به ویژه که او دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بود و دشمنان می‌توانستند از طریق خانواده آن حضرت، مشکلاتی برای آن حضرت ایجاد کنند.

ب - حضور در صحنه‌های گوناگون سیاسی - اجتماعی از جمله حضور در نبردهای متعدد در انجام اموری که با ویژگی‌های زنان آن حضرت سازگار است؛ همچون امداد و تدارکات و پرستاری و مدیریت بحران در پشت جبهه و آگاهی‌رسانی در برهه‌های گوناگون.

ج - اما نقش مهم سیاسی - اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت پیامبر آغاز می‌شود، آنگاه که می‌دید سگان کشتی اسلام به دست افراد نالایق سپرده شده است و حق بزرگ مسلمانان، یعنی پی‌روی از جانشین معصوم پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز حق خلافت حضرت علی علیه السلام غصب می‌شود و برای انجام این جنایات‌ها، دشمنان از «فدک» و گرفتن امتیاز خمس از اهل بیت علیهم السلام استفاده نموده است. روشنگری‌های آن حضرت و شبانه به در خانه انصار رفتن و آنها را از خطرات پیش رو آگاه ساختن، محاجّه با خلیفه شورایی، استدلال برای زنان، خواندن خطبه‌های عمیق و آتشین و حتی مبارزه منفی و درخواست پنهان ماندن قبر خود و تشییع جنازه مخفیانه‌اش از جمله نقش‌های مهم سیاسی - اجتماعی این بانوی بزرگوار است. متن خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام نمایانگر بینش عمیق آن حضرت و روشمند بودن ایشان در بیان و تحلیل حوادث و رخدادهای پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص

شهر بانو

شهربانو، دختر یزدجرد مادر امام سجّاد علیه‌السلام بود. (طبرسی، بی تا، ص ۲۵۵) این بانوی گرامی در حال نفاس (سال ۳۸ هـ) از دنیا رفت. (قمی، ۱۳۶۱، ص ۱۹۶) به دلیل آنکه از یک سو، زمان حضور وی در خاندان اهل بیت علیهم‌السلام کم بود و از سوی دیگر، در سال‌های ۳۵ - ۴۰ که دوران خلافت حضرت علی علیه‌السلام است، آن حضرت و فرزندانش به جنگ‌های «جمل» و «نهروان» و «صفین» مشغول بودند و گزارشی از حضور این بانو در عراق و کوفه نداریم، نمی‌توان نکته مهمی در زندگی ایشان یافت، اما آنچه مسلم است عدم حضور ایشان به هنگام نبرد «صفین» در عراق است؛ زیرا تولّد امام سجّاد علیه‌السلام بنا بر قول مشهور و اقوی، در مدینه بوده و این بانو در آن زمان نمی‌توانسته به همراه همسرش در عراق باشد. اما در مورد «جمل» و «نهروان» هیچ دلیلی بر حضور و یا عدم حضور ایشان نداریم.

مهم‌ترین وقایع در دوران زندگی مشترک ایشان با امام حسین علیه‌السلام، مرگ عثمان و وقایع تاریخی مهم در آن مقطع زمانی است. مدینه از نظر سیاسی در آن عصر، کاملاً متشنج بود و چون برخی قتل عثمان را به گردن حضرت علی علیه‌السلام و فرزندان آن حضرت می‌انداختند، بلواهای سیاسی و بحران عجیبی برپا شد. (قاضی نعمان، بی تا، ص ۳۰۵ - ۴۹۰) روشن است که در چنین فضای سیاسی آشفته‌ای، چه به هنگام قتل عثمان و چه پس از خلافت حضرت امیر علیه‌السلام و سیاسی‌بازی‌های امویان، زنان وابسته به امام علیه‌السلام و حاضر در خانه آن حضرت در امان نبودند و دچار ناراحتی می‌شدند. اما با وجود این، گزارش ویژه‌ای در مورد شهربانو در این دوران به دست ما نرسیده است. روایات و نقل‌های تاریخی جملگی بر وجود و اثبات چنین بانویی در خاندان امامت دلالت دارد، ولی از نقش‌های او سخنی به میان نیامده است.

فاطمه دختر حسن بن علی علیه السلام

مادر امام باقر علیه السلام، فاطمه بنت الحسن علیه السلام، بانویی عارفه و عالمه بود. وی در طول عمر ۵۷ ساله خویش، شاهد حرکت‌های سیاسی و اجتماعی مدینه و کربلا و شام بود. او، که از علویان بود، همواره در جریان تحولات مدینه قرار می‌گرفت و ظلم نسبت به اهل بیت علیهم السلام را مشاهده می‌کرد. در بسیاری از منابع، حضور امام باقر علیه السلام در چهار سالگی در کربلا ذکر شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۱۵۵) در صورت پذیرش این نکته، به هیچ روی نمی‌توان منکر حضور فاطمه بنت الحسن در کربلا شد؛ زیرا یک کودک چهار ساله در سفری چنین خطرآمیز و طولانی نمی‌تواند بدون مادرش حضور داشته باشد. این سفر قیام‌گونه بود و به دور از مسائل امنیتی برای کودکان. شیخ مفید بر حضور این بانو در کربلا تصریح می‌کند. (مفید، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۸)

در صورتی که حضور وی در کربلا اثبات شود، پیامدهای واقعه کربلا و عاشورا نیز برای وی قابل بحث است. فاطمه بنت الحسن علیه السلام پس از وقایع کربلا، همراه با قافله اهل بیت علیهم السلام به سوی شام رفت و مصایب و سختی‌های شام و مجلس یزید و پیش از آن کوفه و مجلس عبیدالله بن زیاد از مواردی است که او را به علت ارتباط عمیقی که با عمه خود زینب علیه السلام داشت و رابطه نسبی و سببی که با امام سجاد علیه السلام داشت، آزار می‌داد. در طول راه، همسر خود را می‌دید که با غل جامعه (زنجیری که دست‌ها و گردن را به هم جمع می‌کند) از منزلی به منزل دیگر می‌کشند، در حالی که بیماری و ضعف جسمانی او را می‌آزرد. شاید بتوان گفت: سختی‌های بین راه از یک سو، و فرسایش روحی و روانی به خاطر تلقی‌های سطحی و ساده‌لوحانه شیعیان و مسلمانان از سوی دیگر، و بار سنگین عاطفی، که از غم و اندوه کودکان یتیم و زنان رنج‌دیده به وجود آمده بود، کمر این بانو را همچون زینب کبری علیه السلام خم کرد.

در مورد بازگشت اُسرا به مدینه و تبلیغ و اطلاع‌رسانی نسبت به وقایع عاشورا، مطالب زیادی نگاشته شده است. حتی امام باقر علیه‌السلام، که در آن شرایط خردسال بود، از وقایع آن روز سخن می‌گفت. به یقین، این بانو نیز به هنگام بازگشت، با حضور در جمع مسلمانان، به افشاگری علیه دستگاه ظالم پرداخته است. شاید بتوان حضور سیاسی - اجتماعی این بانوی بزرگوار را در سه مقطع ذکر نمود:

۱- در مدینه و دوران امامت امام حسن علیه‌السلام و در جریان‌های سیاسی دورهٔ خلافت معاویه؛

۲- در کربلا و قیام امام حسین علیه‌السلام و وقایع پس از عاشورا، پیش از ورود به مدینه؛

۳- در مدینه، پس از واقعهٔ عاشورا و انجام رسالت سیاسی در قالب تبلیغ و امور فرهنگی.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

امّ فروه مادر امام صادق علیه‌السلام

امّ فروه از نوادگان محمد بن ابی بکر بود و افتخار مادری امام صادق علیه‌السلام را داشت. این بانو به مرحله‌ای از تقوا و ایمان رسیده بود که امام صادق علیه‌السلام می‌فرمود: «کانت اُمّی مِمّنْ اَمِنَتْ وَ اتَّقَتْ وَ احْسَنَتْ وَ اللهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ مادرم از مؤمنان و نیایشگران و احسان‌کنندگان بود و خداوند احسانگران را دوست دارد.

(کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۷۲)

دربارهٔ مقام معنوی و عظمت روحی وی سخن بسیار گفته شده، اما آنچه مورد توجه نوشتار حاضر است حضور سیاسی - اجتماعی این بانو است. بارزترین و برجسته‌ترین نقش سیاسی این بانو را می‌توان در مقام و مسئولیتی دانست که امام صادق علیه‌السلام برای وی معین کرده بود و به آن اشاره نموده است.

در روایات و گزارش‌های تاریخی آمده است: «کَلِمًا ارَادَ الْاِمَامُ الصَّادِقُ علیه السلام تقسیم حقوق اهل المدينة اعطاها لامه امّ فروه و زوجه حمیده المصفاة»؛ هرگاه امام صادق علیه السلام می‌خواست حقوق اهل مدینه را تقسیم کند آن را به دست مادرش امّ فروه و همسرش حمیده مصفاة می‌سپرد. (نمازی شاهرودی، بی تا، ج ۸، ص ۵۶۹)

لازم به ذکر است که در دوران امامت امام صادق علیه السلام به دلیل آنکه در دربار خلافت مشغله‌هایی ذهنی ایجاد شده بود، فرصت مناسبی برای تعلیم و تعلّم شیعیان ایجاد گردید و آن حضرت بیش از دیگر ائمه علیهم السلام از اصحاب و یاران مخلص و فداکار برخوردار بود؛ زیرا فرصت تربیتی بیشتری داشت، اما با وجود مردان آزموده و قابل اعتمادی که در آن مقطع حسّاس در خدمت امام بودند، آن حضرت حقوق اهل مدینه را توسط مادر و همسر بزرگوارش تقسیم می‌نمود. این حرکت، چه با نام «وکالت» باشد و چه با عنوان «وصایت»، نوعی حضور اجتماعی وسیع و گسترده می‌طلبد و لازمه آن تأثیرگذار بودن این دو بزرگوار و مهم‌تر از آن، اقبال عمومی جامعه نسبت به آن دو است. روشن است که پیش از اعطای این مقام، باید شخصیت و وثاقت و عظمت روح و روان آنها، هم برای امام و هم برای مردم اثبات شده باشد.

حمیده مغربیه مادر امام کاظم علیه السلام

ابو ایوب نحوی می‌گوید: پس از اینکه ابوجعفر منصور خلیفه عباسی به وسیله نامه‌ای خبر شهادت جعفر بن محمد را دریافت نمود، کسی را نزد من فرستاد. وقتی رفتم، گفت: دیگر چه کسی مثل جعفر خواهد بود؟ در جواب والی مدینه، محمد بن سلیمان، بنویس که تحقیق کند و وصی جعفر بن محمد را بشناسد و بی‌درنگ، او را گردن بزند و سرش را به بغداد بفرستد.

ابوایوب به فرمان خلیفه، نامه‌ای برای والی مدینه نوشت و پس از چند

روز جواب نامه آمد که آن حضرت پنج نفر را وصی خود قرار داده است: شخص خلیفه، والی مدینه، پسرش عبدالله، پسرش موسی بن جعفر علیه‌السلام و همسرش حمیده بربریه. هنگامی که نامه به دست خلیفه رسید، خندید و گفت: چگونه ممکن است که من این پنج نفر را بکشم؟! (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۱۰ / طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۹۸)

با توجه به گزارش مزبور، می‌توان دریافت که انتخاب سه مورد از موارد مذکور، برای مصلحت و ایجاد انحراف در ذهن درباریان و دستگاه خلافت بوده است و وصی حقیقی آن حضرت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام و حمیده مصفاة بودند و در زمان خفقان عباسیان، وصی قرار دادن یک زن و ذکر نام او در وصیت‌نامه نشانگر شخصیت والای علمی، سیاسی و اجتماعی اوست و این اتفاق برای اولین بار در مورد بانو حمیده اتفاق افتاد. پیش از این در مبحث مربوط به مادر امام صادق علیه‌السلام اشاره نمودیم که بنا بر روایات و گزارش‌ها، هرگاه امام صادق علیه‌السلام می‌خواست حقوق مالی مردم مدینه را پرداخت کند، آن را به مادرش، ام فروه و همسرش حمیده مصفاة می‌داد.

نجمه مادر امام رضا علیه‌السلام

در مورد نجمه، مادر بزرگوار امام رضا علیه‌السلام گرچه مطالب زیادی در رابطه با عرفان و معنویت و عظمت روحی او داریم، اما هیچ نکته خاصی، که دلالت بر حضور اجتماعی و سیاسی آن بانو داشته باشد، یافت نشد. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۳-۲۶) تنها می‌توان با شواهد و قراینی دریافت که به علت ظلم و ستم خلفای عباسی و زندانی شدن امام موسی بن جعفر علیه‌السلام در نوبت‌های متعدد، حتماً نقش‌های مهمی در زندگی نجمه بوده، ولی گزارش نشده است و نمی‌توان بدون استناد از وی سخن گفت.

سبیکه مادر امام جواد علیه السلام

سبیکه (ریحانه، سکینه موسیّه - که احتمالاً تصحیف سبیکه است - درّه، خیزران) مادر امام جواد علیه السلام و کنیه اش أمّ الحسن است. (مفید، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۳) وی از نظر معنوی و عمل صالح، در حدّی است که امام جواد علیه السلام وی را می ستود و هنگامی که یکی از اصحاب حضرت از طرف أمّ الحسن نزد امام آمد و از او یک پیراهن برای هنگام دفنش درخواست کرد، امام فرمود: به أمّ الحسن بگوئید: اعمال او برای آخرتش او را کفایت می کند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۱۱)

با توجه به روایت مزبور، سبیکه در زمان امام جواد علیه السلام بوده است و می توان از شواهد و قراین برداشت نمود که هنگام ورود امام رضا علیه السلام به ایران، این بانو در کنار فرزند خود امام جواد علیه السلام در مدینه مانده است؛ زیرا بنا به گزارش ها، امام جواد علیه السلام به ایران نیامد و در مدینه ماند و روشن است که به علت کودکی، نیاز به مراقبت داشت و قاعدتاً مادرش نزد او بوده است. پس می توان گفت: این بانوی بزرگوار در حرکت های مهم سیاسی و اجتماعی زمان خود، حضور چشمگیری نداشته و تمام هم خویش را صرف تربیت یگانه فرزند خود و امام پس از علی بن موسی الرضا علیه السلام کرده است. در مورد پاکی و طهارت او، امام علیه السلام او را به حضرت مریم علیها السلام تشبیه کرده و فرموده است: سبیکه در پاکی، مثل مریم است و پاک و پاکیزه آفریده شده. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۳)

مرحوم قهپایی در مجمع الرجال، وی را از راویان حدیث می داند، اما حدیثی در منابع موجود از وی دیده نشده است. البته احتمال دارد در منابع موجود امروزی حدیثی از او وجود نداشته باشد.

سمانه مادر امام هادی علیه‌السلام

سمانه مغربیه، که به سیده امّ الفضل هم معروف است (الخصیبی، ۱۴۱۱، ص ۳۱۳ / مفید، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۷ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۰۱)، مادر امام علی النقی علیه‌السلام بود. ابن ابی الثلج به نقل از ابو علی بن محمد بن همّام نام او را حدیث ذکر می‌کند و نیز غزّالة المغربیه را یکی از نام‌های او می‌داند. (ابن ابی الثلج، ۱۴۰۶، ص ۲۵) کنیه وی امّ ابی الحسن است که برای امام فرزندان را به دنیا آورد.

در روایات، او را از زنان عابده، با تعبیر «و كانت من القانتات» (حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۲۹، ص ۱۱۸) برشمرده‌اند. به هر حال، وی از مقام معنوی والایی برخوردار بوده و در دوران زندگی امام هادی علیه‌السلام، چه در مدینه و چه در سامراء، با آن حضرت همراه و همدل بوده است. از نقش سیاسی - اجتماعی او، به طور اختصاصی گزارشی یافت نشده است، اما با بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر امام هادی علیه‌السلام و فشارهای روانی دستگاه خلافت عباسی بر خاندان اهل بیت علیهم‌السلام، که بارزترین آنها در تبعید امام به سامراء دیده می‌شود و نیز برخوردهایی که دستگاه خلافت با امام جواد علیه‌السلام داشت و وضعیت نامناسب درون خانه امام علیه‌السلام با حضور امّ الفضل، دختر مأمون به عنوان همسر امام جواد علیه‌السلام، و مکر و نیرنگ درباریان و نفوذ مستقیم آنان به حرم امام معصوم علیه‌السلام، می‌توان نقش مهم این بانو را در خانه امام جواد علیه‌السلام و پس از آن در کنار امام هادی علیه‌السلام ترسیم نمود. بازداشت‌های مکرر امام هادی علیه‌السلام و اختناق موجود در عصر متوکل، برای این بانو نیز مانند دیگر اعضای خانواده حضرت، مشکلاتی به وجود می‌آورد، به ویژه که او مادر فرزندی از امام جواد علیه‌السلام بود که قرار بود مقام امامت را بر عهده گیرد. امام هادی علیه‌السلام در مورد وی می‌فرماید: «أُمّی عارفةٌ بحقّ و هی من اهل الجنة لا یقرّ بها شیطانٌ مارڈ و...» (طبری، ۱۴۱۳، ق، ص ۴۱۰)؛ مادرم نسبت به من معرفت حقیقی دارد و از بهشتیان است و شیطان عصیانگر به او نزدیک نمی‌شود.

حَدِيثِ مادر امام حسن عسکری علیه السلام

حَدِيثِ (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۰۳ / شیخ صدوق، ۱۴۰۵، ص ۲۷۴ / طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۹۲) (حَدِيثِ، حریبه، سلیل، سوسن)، مادر امام حسن عسکری علیه السلام، از جمله مادران ائمه اطهار علیهم السلام بود که نقش اساسی و مهمی در جریانات سیاسی - اجتماعی پس از شهادت امام علیه السلام داشت. نقش پررنگ او را می توان در دو مقطع مورد بحث قرار داد:

الف - پیش از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام؛

ب - پس از شهادت آن امام علیه السلام؛

بنا بر گزارش های تاریخی و روایات، امام حسن عسکری علیه السلام پیش از شهادت، روزی با مادر خویش، حَدِيثِ، درباره وقایع سال ۲۶۰ و شهادت و مسموم شدنش سخن گفت و او را از اخبار و رویدادهای این سال آگاه کرد، سپس مهدی موعود علیه السلام، آخرین وصی الهی را به او سپرد تا از سامراء خارج کند و برای سفر حج به مکه برود. (صنار قمی، ۱۴۰۴، ص ۵۰۲) با قدری دقت در اوضاع سال های ۲۵۹ و ۲۶۰ می توان به سیاسی بودن این حرکت پی برد. سفر حج این بانو، که به امر امام علیه السلام صورت گرفت، تنها یک سفر عبادی و معنوی نبود، بلکه برای حفظ ولی خدا و آخرین گنجینه الهی، حضرت بقیة الله علیه السلام صورت گرفت و انتخاب این عنوان برای تنش زدایی و زدودن حساسیت دستگاه خلافت بود.

از روایت مزبور، که راوی اصلی آن خود حَدِيثِ - با کنیه ام ابی محمد - است، چنین برداشت می شود که این بانو برای امام علیه السلام قابل اطمینان بود و حتی نسبت به بسیاری از مردان مورد وثوق حضرت، که برخی از وکلای ایشان به شمار می آمدند و زنان علوی های که در کنار ایشان بودند، بیشتر مورد توجه امام بود و شهامت و عظمت روحی وی برای امام علیه السلام اثبات شده بود.

این بانوی بزرگوار از زمانی که وارد خانه امامت و ولایت شد، یعنی پیش از

سال ۲۳۰ هـ - که به نقلی تاریخ میلاد امام حسن عسکری علیه‌السلام فرزند اوست -^۱ با مشکلات و فشارهای روانی و سیاسی، که از سوی دستگاه خلافت و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام بر او وارد می‌شد، مواجه بود. اختناق و تحت نظر گرفتن خانواده امام، بازداشت امام هادی و امام حسن عسکری علیهم‌السلام در بین سال‌های ۲۳۰ تا ۲۶۰ - یعنی به مدت ۳۰ سال که حَدِيث در خانه امام زندگی می‌کرد - و جاسوسانی که پیوسته به صورت محسوس، یا نامحسوس خانه امام را تحت نظر داشتند، برای بانوان منزل، مشکلاتی به همراه می‌آورد. افزون بر آن، در خانه‌ای که ملجأ و پناه شیعیان بود و اسرار در آن بیان می‌گردید، باید زنان این خانه نیز محرم اسرار بودند و در صورتی که مثل حَدِيث فعّال بودند - نه منفعل - به طور پنهانی به فعالیت‌های سیاسی خود می‌پرداختند و بازوی همسر انقلابی خود بودند. در واقع، می‌توان گفت: خطرهایی که بر سر راه زنان و مادران رهبران مردان بزرگ وجود دارد کمتر از مخاطره‌های موجود بر سر راه خود رهبران جامعه نیست و با یک تصویر ذهنی از موقعیت این‌گونه مردان، می‌توان به وضعیت زنان آنان نیز پی برد.

به هر حال، حَدِيث علاوه بر نقش تربیتی و پرورش فرزندی همچون امام حسن عسکری علیه‌السلام به مبارزه نیز می‌پرداخت و حتی ممکن است به خاطر جنسیت او، که کمتر موجب ایجاد حساسیت سیاسی می‌شد، در موارد مهم و مخاطره‌آمیز از وجود او استفاده شده باشد؛ مانند سپردن امام زمان علیه‌السلام به او و رهسپار شدن به مکه.

در مورد نقش سیاسی - اجتماعی حَدِيث پس از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام باید به دو گزارش مهم و مستند اشاره نمود:

۱. ابن اثیر در *الکامل فی التاریخ*، ج ۵، ص ۲۷۳ سال تولد امام حسن عسکری علیه‌السلام را ۲۳۲ هـ ذکر می‌کند.

۱. بنا بر روایات و نقل‌های تاریخی، امام حسن عسکری علیه السلام تنها حُدَیْث را وصی خود قرار داد، با آنکه هم فرزند داشت و هم برادرش جعفر در قید حیات بود، و قاعدتاً باید برادرش را وصی قرار می‌داد. ادعای وصیت حُدَیْث نزد قاضی اثبات شده بود و از این‌رو، بخشی از اموال آن حضرت به وی داده شد. (کلبینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۵۰۳ / صدوق، ۱۴۰۵ ق، ص ۴۳ / طوسی، ۱۴۱۱ ق، ص ۷۵ و ۱۳۸) لازم به ذکر است که اموال امام افزون بر خانه آن حضرت، شامل موقوفات و صدقات شیعیان نیز بود که باید صرف امور شیعیان می‌شد و آن حضرت حُدَیْث را لایق این مسئولیت دیده بود.

شیخ مفید در کتاب *فصول العشره*، که در آن به ده شبهه مهم زمان خود درباره امام زمان علیه السلام پاسخ می‌دهد، پس از نقل ماجرای وصی قرار دادن حُدَیْث از سوی امام، به ذکر دلایل عقلی و نقلی این کار می‌پردازد و از این حرکت به عنوان یک اقدام سیاسی یاد می‌کند. (مفید، ۱۴۱۱ ق، ص ۴۶) معلوم می‌شود در زمان این متکلم شیعی نیز معلوم و مشهود بوده که مادر حضرت، وصی اوست.

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام اوضاع شیعیان چنان بحران‌زده بود که به نقل مورخان و اندیشمندان، در زمان هیچ‌یک از ائمه چنین وضعیتی پیش نیامده بود. مسعودی به این نکته اشاره کرده، می‌نویسد: شیعیان پس از حسن بن علی العسکری علیه السلام به بیست فرقه تقسیم شدند. (مسعودی، ۱۳۷۰ ق، ج ۲، ص ۵۹۹) البته شیخ مفید می‌نویسد: تا زمان او از فرقه‌های بیست گانه اثری برجای نمانده و تنها فرقه شیعه اثنی عشریه، که معتقد به امامت امام زمان علیه السلام و غیبت آن حضرت هستند، پا برجا مانده است. (شریف مرتضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۱۸ - ۳۳۱)

در برخی از نقل‌ها، جریان وصی قرار دادن حُدَیْث را مشابه وصایت حضرت زینب علیه السلام از امام حسین علیه السلام دانسته‌اند و در روایتی حکیمه به این تشابه، تصریح می‌کند. در روایتی از احمد بن ابراهیم آمده است: وی پس از شهادت امام حسن

عسکری علیه‌السلام نزد حکیمه رفت و از اعتقاد او درباره امامت پس از امام حسن عسکری علیه‌السلام پرسید. حکیمه در پاسخ گفت که به حجة بن الحسن علیه‌السلام اقتدا می‌کند. وی از محل و شخصیت امام زمان علیه‌السلام پرسید. حکیمه گفت: از دیدگان پنهان است. احمد بن ابراهیم پرسید: پس شیعه به چه کسی پناه ببرد؟! حکیمه پاسخ داده: به جدّه، مادر ابو محمد علیه‌السلام. او گفت: آیا من به کسی اقتدا کنم که یک زن را وصی خود قرار داده است؟! حکیمه با درایت و درک وسیع خود پاسخ داد: به حسین علیه‌السلام اقتدا کن که خواهرش زینب را وصی خویش قرار داد. (کلینی، ۱۳۸۸ ق،

ج ۱، ص ۵۰۳ / شیخ صدوق، ۱۴۰۵ ق، ص ۵۰۷)

احتمالاً منظور از اقتدا به کسی که یک زن را وصی قرار داده، امام زمان علیه‌السلام است؛ چون پس از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام این گفت و گو صورت گرفته. روشن است اینکه یک زن در بحران سیاسی و تحوّل و سرگشتگی، پناه شیعیان باشد و رهبر جامعه او را وصی خویش در امور اقتصادی - دینی مهم جامعه قرار دهد، از مقام و موقعیت والایی برخوردار است و نقش اجتماعی - سیاسی مهمی برعهده دارد؛ زیرا تا وقتی ظرفیت و توانایی‌های افراد آزموده نشود هرگز از سوی اولیای دین، مسئولیت‌ها و منصب‌های کلیدی به آنان واگذار نخواهد شد، به ویژه اگر از جامعه زنان باشند که با وجود شاکله خلقتی خود، در امور اجتماعی از مردان آسیب‌پذیرترند.

یکی دیگر از نقش‌های سیاسی - اجتماعی و تأثیرگذار حدیث پس از شهادت امام علیه‌السلام تدبیر ویژه او در مورد ادعای حمل یکی از کنیزان است. البته بنا بر برخی گزارش‌ها، این ادعا از سوی صقیل (نرجس)، مادر امام زمان علیه‌السلام مطرح شد و بنا بر برخی دیگر، به امر حدیث چنین حرکتی صورت گرفت. وجه جمع این دو گونه گزارش می‌تواند این باشد که طرح اصلی آن از سوی حدیث بوده و صقیل با صلاحدید وی اجرا نموده است. منابع شیعی و اهل سنت به این ادعا و مسائل و

پیامدهای پس از آن اشاره کرده‌اند. اگرچه ممکن است این حرکت به ظاهر سیاسی نباشد، اما با اندکی دقت بر پیامدهای آن، می‌توان به اهداف سیاسی این عمل پی برد. در یک تصویرسازی مستند، می‌توان چنین بیان کرد که پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، دستگاه حکومت، که سال‌ها در مورد فرزند نهم حسین بن علی علیه السلام و یازدهمین فرزند امام علی علیه السلام و در واقع پیشوای دوازدهم شیعیان احادیثی شنیده بودند، پس از شهادت امام یازدهم علیه السلام، آن قائم و پیشوای جهانیان را جست و جو می‌کردند و فشارهای سیاسی و روانی را بر خانواده امام بیشتر می‌کردند و برای دستیابی به امام شیعیان پس از امام حسن عسکری علیه السلام تلاشی گسترده در پیش گرفته بودند. از سوی دیگر، جعفر، که در داخل منزل امام بود و از ویژگی‌های منفی و ردایل اخلاقی همچون حسد و کینه نسبت به اهل بیت علیهم السلام که ریشه در گذشته داشت و حرص نسبت به مال و ثروت برخوردار بود، در صدد یافتن مقام و مال بازمانده از امام حسن عسکری بود و تنها راه رسیدن به مقصود، اثبات این مسئله بود که امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی ندارد. لازم به ذکر است که او دو بار امام زمان علیه السلام را ملاقات نموده بود، ولی به خاطر مطامع و مقاصد شوم خود، انکار می‌کرد. حتی پس از غیبت صغرا هم دوبار امام زمان علیه السلام را دید: یک بار هنگام خواندن نماز میت بر پیکر امام و بار دیگر سال‌ها بعد هنگام تدفین حدیث، مادر بزرگ آن حضرت. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱،

ص ۳۳۱ / صدوق، ۱۴۰۵، ق، ص ۴۴۳ / قندوزی، ۱۴۱۶، ق، ج ۳، ص ۳۲۵)

به طور خلاصه، می‌توان گفت: وجود شیعیان متحیر و سرگشته پس از امام، که به علت مسائل امنیتی بسیاری از آنان از تولد فرزند امام آگاه نبودند، دستگاه خلافت و حرص برای یافتن مهدی موعود علیه السلام و وجود جعفر حریص و آزمند، انگیزه‌ای شد برای حدیث (یا صقیل یا هر دو) که با ادعای بارداری کنیز از امام علیه السلام، هم فرصتی به شیعیان دهند تا اطلاع‌رسانی صحیح نسبت به

امام بعدی صورت گیرد و هم ذهن دستگاه حکومت را منحرف کنند و هم جعفر را برای مدتی ساکت گردانند تا در این فرصت، بتوانند امام علیه السلام را حفظ کرده، آرامش نسبی در بیت امامت ایجاد کنند؛ چنان‌که پس از انقضای مدت، برای اثبات این مدعا، دو حادثه بزرگ یعنی صاحب الزنج^۱ و مرگ ناگهانی یحیی بن خاقان به طور طبیعی افکار دشمن را به خود مشغول کرد. (صدرق، ۱۴۰۵ ق، ص ۴۷۶ / طبری، ۱۴۱۳ ق، ص ۴۲۴)

نرجس مادر امام زمان علیه السلام

مادر امام زمان علیه السلام، نرجس (صقیل، ریحانه، سوسن) در شرایط سیاسی - اجتماعی سخت و خطرناکی وارد خانه امامت شد. احساس خطر تولد و یا حضور آخرین امام شیعیان در خانه امام حسن عسکری علیه السلام عباسیان را بر آن داشت که جاسوسان بسیاری در اطراف و درون خانه امام قرار دهند و فشارهای روانی بیشتری بر اهل بیت علیهم السلام وارد سازند. حضور نرجس در خانه اهل بیت علیهم السلام دست کم از سال ۲۵۳ هـ اثبات شده است؛ زیرا امام زمان علیه السلام در سال ۲۵۵ به دنیا آمده و با تطبیق حوادث و رخدادهای دهه پنجاه و جنگ‌های اعراب و روم، اسارت او به دست مسلمانان در همین سال‌ها بوده است. آنچه در زندگی سیاسی - اجتماعی این بانو قابل ذکر است همان ادعای حمل پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام است، در صورتی که قایل باشیم خود طراح این فکر بوده و حتی در صورتی که طراح اصلی این نقشه مادر امام حسن عسکری علیه السلام بوده و نرجس با او در این حرکت، همراهی کرده باشد، باز هم این نکته به عنوان نقش سیاسی او مطرح می‌شود.

۱. گروهی از زنگیان (سیاهپوستان) که بر علیه حکومت عباسی قیام کردند و این قیام بیست سال به طول انجامید.

در مدت دو سال (یا بنا بر نقل اهل سنت، هفت سال) (ابن حزم طاهری، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۸)، که این کنیز تحت مراقبت دستگاه خلافت بود، به یقین مشکلاتی برای او به وجود آمد و این محدودیت‌ها ناراحت کننده بود، اگرچه گزارش خاصی در این باره نداریم. او مدتی در خانه ابوعلی خیزرانی به سر برد که از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام (صدوق، ۱۴۰۵ ق، ص ۴۷۶ / طبری، ۱۴۱۳ ق، ص ۴۲۵) و از نوادگان حضرت عباس بن علی علیه السلام بود و سپس تحت مراقبت عباسیان در خانه المعتمد بالله، خلیفه عباسی بود و در زمان المهتدی از دنیا رفت. (ابن حزم طاهری، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۸)

در ماجرای بازداشت‌های امام حسن عسکری علیه السلام و فضای اختناق‌آمیز سامراء در آن زمان و نیز نگرانی‌های مادرانه در مورد حفظ جان حضرت مهدی علیه السلام و دوری و فراق از او به خاطر مصلحت بالاتر - یعنی حفظ جان آن مولود، پس از آنکه به همراه مادر امام حسن عسکری علیه السلام به مکه فرستاده شد - می‌توان نقش نرجس را مشاهده نمود. او هنگام شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء و نزد امام بود (صدوق، ۱۴۰۵ ق، ص ۴۷۲) و رفتار آزردهنده مأموران دستگاه خلافت را می‌دید و به یقین، اسراری از اهل بیت علیهم السلام در سینه نگاه داشته بود.

نتیجه گیری

از مطالب پیش گفته می‌توان دریافت که مادران ائمه اطهار علیهم السلام در طول تاریخ نقش‌های سیاسی - اجتماعی مهمی داشته‌اند و در کنار وظیفه اولیه خویش - یعنی نقش مادری و همسری - در امور اجتماعی و سیاسی نیز شرکت داشته‌اند. البته بسیاری از نقل‌های مربوط به این بانوان تأثیرگذار اکنون در دست نیست و تنها با اشارات باقی مانده در منابع دست اول، می‌توان به تبیین این نقش‌ها پرداخت. در

یک نگاه کلی، مادران ائمه اطهار علیهم‌السلام به دو بخش عرب و غیرعرب و یا به دو بخش حرّه (آزاده) و کنیز تقسیم می‌شوند که هر یک در جایگاه ویژه خود نقش آفرینی داشته‌اند.

از میان مادران عرب و حرّه نقش سیاسی - اجتماعی فاطمه زهرا علیها‌السلام و فاطمه بنت اسد بسیار پررنگ و قابل بحث است، و در میان مادران کنیز، نقش حمیده مصفاة و حُدَیث، مادر امام حسن عسکری علیه‌السلام، در مسائل سیاسی - اجتماعی بسیار قابل بحث و بررسی است، هرچند دیگر مادران هم تأثیرگذاری فراوانی در موقعیت زمانی خویش داشته‌اند. به نظر می‌رسد معرفی مادران ائمه اطهار علیهم‌السلام به تبع همسران و فرزندان و جدا از هویت فردی و نقش آفرینی‌های آنان، کاری غیرمنصفانه است و یکی از وظیفه‌های اساسی پژوهشگران شیعی بررسی شخصیت این مادران به طور اختصاصی است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

منابع

۱. ابن ابی الثلج، *مجموعه نفیسه فی تاریخ الائمه*، ۱۴۰۶ ق؛ قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
۲. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، بی‌تا، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالاحیاء الکتب العربیه.
۳. ابن حزم الظاهری، *علی بن احمد، الفصل فی الملل و الاواء و النحل*، بی‌تا، تحقیق محمد ابراهیم نصر و عبدالرحمان عمیره، بیروت، دارالجبیل.
۴. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ۱۳۷۶ ق؛ تحقیق لجنة من الاساتذه النجف الاشرف، نجف، مطبعة الحیدریه.
۵. التمیمی المغربی، نعمان بن محمد، *شرح الاخبار فی فضایل الائمه الاطهار*، بی‌تا، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۶. الخصبی، حسین بن حمدان، *هدایه الکبری*، ۱۴۱۱ ق؛ بیروت، مؤسسه البلاغ، ط. الرابعه.
۷. الصفار قمی، محمد بن الحسن، *بصائر الدرجات الکبری*، ۱۴۰۴ ق؛ تحقیق میرزا محسن کوچه باغی، تهران، مؤسسه الاعلمی.
۸. العمری النسابی، علی بن محمد، *المجدی فی انساب الطالبین*، ۱۴۰۹ ق؛ تحقیق احمد مهدوی دامغانی، قم، مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی.
۹. القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینایع الموده لذوی القربی*، ۱۴۱۶ ق؛ تحقیق علی جمال اشرف الحسینی، دارالاسوة.
۱۰. حسین بن عبدالوهاب، *عیون المعجزات*، ۱۳۲۹ ق؛ نجف، منشورات مطبعة الحیدریه فی النجف.
۱۱. شرف الاسلام بن سعید المحسن بن کرامه، *تنبيه الغافلین عن فضائل الطالبین*، ۱۴۲۰ ق؛ تحقیق السید تحسین آل شیبب، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
۱۲. شریف رضی، *خصائص الائمه*، ۱۴۰۶ ق؛ تحقیق محمد هادی الامینی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *عیون اخبار الرضا علیهم السلام*، ۱۴۰۴ ق؛ تحقیق شیخ حسین الاعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، ۱۴۰۵ ق؛ تحقیق و تصحیح علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۵. طبرسی، فضل بن الحسن، *اعلام الوری*، بی‌تا، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. طبری، احمد بن عبدالله، *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی*، ۱۳۵۶ ق؛ مکتبه القدسی.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، ۱۴۱۳ ق؛ تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه، قم، مؤسسه

البعثة.

۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، الغيبة، ۱۴۱۱ ق، تحقیق عبادالله الطهرانی و الشیخ علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.

۱۹. _____ تهذیب الاحکام، ۱۳۶۵ ق، تحقیق السید حسن الخراسان، دارالکتب الاسلامیه، ط. الرابعه.

۲۰. قمی، محمد بن الحسن، تاریخ قم، ۱۳۶۱، حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، توس.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۳۸۸ ق، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ج سوم.

۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق، لبنان، مؤسسه الوفاء، ط. الثانيه.

۲۳. مسعودی، علی بن الحسين، مروج الذهب، ۱۳۷۰ ق، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات فرهنگي، ج چهارم.

۲۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، بی تا، تحقیق مؤسسه آل البيت، دارالمفید.

۲۵. _____ الفصول العشره، ۱۴۱۴ ق، تحقیق شیخ فارس الحسون، بیروت، دارالمفید، ط. الثانيه.

۲۶. _____ الفصول المختاره، ۱۴۱۴ ق، تحقیق سیدعلی میرشریفی، بیروت، دارالمفید، ج دوم.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی